



## جدایی کردستان عراق: تحلیل پیشینی و پسینی

ایران و ترکیه به همراه عراق و سوریه نسبت به تبعات جدایی طلبی اقلیم کردستان نگران هستند زیرا گمان می کنند که می تواند گام اول برای تجزیه طلبی در دیگر کشورهای همسایه باشد. لذا در حال حاضر و بر اساس تحلیل های پیشینی اقداماتی که مانع از تحقق استقلال اقلیم کردستان شود را بهینه می بینند.

در متون علمی دو اصطلاح بسیار استفاده می شود:

(۱) که شاید پیشینی یا پیشاپیش ترجمه مناسبی برای آن باشد،

(۲) که شاید ترجمه پسینی یا پساپس معادل خوبی باشد.

مقصود از تعبیر این است که قبل از وقوع امری اقدامات بر حسب انتظارات نسبت به آینده شکل می گیرد و همین اقدامات می تواند سرشت آینده را شکل دهد. اما وقتی همه بازیگران بر حسب انتظارات پیشینی خود اقداماتی کردند نهایتاً نتیجه ای حاصل خواهد شد. در وضعیتی که نتیجه حاصل می شود افراد مجدداً که بخواهند رفتار خود را در قبال آن مسئله تنظیم کنند لزوماً همان اقدامات قبل را ادامه نخواهند داد زیرا ممکن است به این جمع بندی برسند که در شرایط امروز رفتار بهینه چیز دیگری است و اقتضائات متفاوتی دارد. به این معنی رفتار بهینه بر حسب تحلیلهای پیشینی می تواند متفاوت از رفتار بهینه بر حسب تحلیل های پسینی باشد و این تفاوت لزوماً به معنای تناقض نیست.

حال با این مقدمه و این چارچوب می توان به موضع گیری ایران و ترکیه به قضیه جدایی طلبی اقلیم کردستان عراق نگریست. ایران و ترکیه به همراه عراق و سوریه نسبت به تبعات این جدایی طلبی نگران هستند زیرا گمان می کنند که می تواند گام اول برای تجزیه طلبی در دیگر کشورهای همسایه باشد. لذا در حال حاضر و بر اساس تحلیل های پیشینی اقداماتی که مانع از تحقق استقلال اقلیم کردستان شود را بهینه می بینند. از دید مسئولان کشورهای همسایه، تهدید به استفاده از اهرم تحریم یا جنگ نظامی می تواند نهایتاً مسئولان اقلیم کرد را به تجدیدنظر در تصمیم شان وادارد. اگر این اتفاق بیفتد البته منافع و خواست آنها محقق شده است اما اگر اقلیم کردستان به هر علت مقاومت کند و نهایتاً استقلال عملی شود آنگاه وضعیت دیگر فرق خواهد کرد. در این حالت رفتار بهینه برای دیگر کشورهای همسایه اقدامات تخصصی نخواهد بود و منفعت آنها همکاری با اقلیم جدا شده کردستان خواهد بود. به این معنی رفتار بهینه پسینی عدم تقابل و همکاری خواهد بود.

رفتار بهینه بر حسب تحلیل‌های پیشینی می‌تواند متفاوت از رفتار بهینه بر حسب تحلیل‌های پسینی باشد و این تفاوت لزوماً به معنای تناقض نیست.

در اینجا ممکن است کسی بگوید که اگر قرار است همکاری رفتار بهینه بعدی باشد آیا منطقی نیست که از همان ابتدا رفتار همکاری در پیش گرفته شود؟ پاسخ به شرحی که رفت منفی است. یعنی بهینه‌سازی رفتار در اینجا در دو مقطع قبل از استقلال و بعد از استقلال به هم مرتبط نیست و نباید رفتار آینده‌نگرانه را در پیدا کردن رفتار بهینه در دوره اول به کار گرفت. این امر با توجه به اینکه اگر همه بازیگران به قول و قرار خود ملتزم بمانند و اسیر تطمیع نشوند پدیده استقلال اقلیم کردستان رخ نخواهد داد، تقویت می‌شود. سوال دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا حفظ قول و قرار کشورهای همسایه یعنی ایران، ترکیه، عراق و سوریه برای مقابله با این استقلال قابل دوام است؟ تردیدی نیست که هر کدام از این بازیگران روابط اقتصادی خاصی با اقلیم کردستان عراق دارند. همین امر آنها را وسوسه می‌کند تا اگرچه به لحاظ لفظی خود را اهل تقابل با استقلال نشان دهند اما در عمل به طور پنهانی با آنها وارد معامله شوند و اقدامات تقابلی صورتی انجام دهند و با این اقدامات نه تنها راه را برای استقلال باز کنند بلکه سهم خود را در معاملات اقتصادی پس از تقابل افزایش دهند. در واقع نگرانی از اینکه هر طرف دیگری ممکن است به توافق پای‌بند نماید می‌تواند هر کدام را به لغو توافقات سوق دهد و همین امر راه را برای شکست اقدامات تنبیهی علیه استقلال اقلیم کردستان عراق باز کند. به عبارت دیگر قبل از هر گونه توافق برای اقدامات تنبیهی باید مطمئن بود که زیان هر کشور از استقلال به مراتب بیشتر از تحمل آن و داشتن روابط اقتصادی است. چنانچه نسبت به این امر اطمینان حاصل شود آنگاه می‌توان اقدامات تقابلی را در وضعیت پیشینی رفتاری بهینه قلمداد کرد. روشن است که حفظ این توافق برای اقدام مشترک علیه استقلال طلبی منوط به تداوم ارتباطات به منظور ایجاد اطمینان از پای‌بندی مشترک به توافق است.